

(ملک و اوقات خارجه)

۱- سفارت لندن در قریب بوارنگرگاه اجرا که چهارمات سفیر کیمت کنگ
 فرج استاده نظر اند که به واسطه شرفیون راه سال فرود آورده
 در سینه رودار اسلخته اسپانیا از وقتی شنیده شده که قشون او یکا فرس آورده
 بساطل سنیا که کامیاب شده و از شرفیونای زیاد یار پاشه است این روزها
 پارلمان اچند روز مصوق کرده اند
 اگر لکه آف بد معلوم میشود که قشون اسپانیا در کسکاه بوده و قشون او یکا
 سبیا کونسو آورده اند از زمین برین آمد و جنگ بسیار ختمی نموده بودند
 قشون او یکا قسبه سنیا که بن مصلحت میل رسیده اند
 کتیب یکی از افسران او یکا ظاهر شده که قشون او یکا برار روی اسپانیا
 کسکله فرود مافوج اسپانیا آنها شکست داده عقب نشانی
 بستم سفیر از لندن - چهارمات یکی اسپانیا در قریب بوار بندر رسیدند
 از پورت جدید اسپانیا معلوم میشود که در جنگ سبیا که نقصانی زیاد قشون او
 رسیده از قشون اسپانیا آفرود و پای جرم و هفت نفر از سبیا کون متقل کرده
 در بندر جدید اسپانیا (کیریا) با دو چهار زره پوشش و دو چهار یکی در
 چسار (آر پیدو) و پنج چهار حسال چهار هزار قشون متقل حکم نمیداد
 آنکون بر پله بعضی اختلافات وزارت فرانس قائم شده
 تا مورین روس اعراض نموده اند که دولت چین من باب تسبیح راه اسپانیا
 تا پنچر یا پس از جنگ با کنگ فرانس نموده است وزارت چین جواب داده
 که بموجب معاهده که در اجاره بندر آرتبه میان روس و چین شده روس از
 اعراض در بنوار نیست دولت چین پتر سیرگ این عنوان اطلاع داده
 از روی سوشس قشون او یکا والا حضرت خدیو چهارمات اسپانیا از ارض ذغال
 شمع کرده و بعد از اسپانیا هنوز متقل کنگست
 دولت او یکا دسته چپازی از رده کرده است که بر سر اصل اسپانیا عمل نموده
 در تعاقب قیامی دسته چهارمات اسپانیا که پیش نماید
 دولت اسپانیا با نهایت سرگمی در حفاظت سواحل خود مشغول است
 از پورت او یکا معلوم میشود که در جنگ سنیا که ۲۰ نفر از قشون او متقل
 و هفتاد الی هشتاد نفر جرم و جرم شده اند
 چهارمات اسپانیا که در بندر رسیدند و در کسکله که از سوی فرانس کنگ شنیده
 می شود که در بنوار کسکله قشون چهارمات که در تپه ذغال دیده شده
 هشتم صفر از لندن سه فرود چهارمات فرانس که چهارمات او یکا کسکله

سیاره نینه حاصل نموده است

۱- نال اسپانیا اظهار داشته اند که با بیان اربطع کسب اتم علی حقیقت
 قشون یکی اسپانیا که کندن خندق او یکا کرده از قشون اسپانیا فرود آورده اند
 شمل افارت و نماینده
 نه هس از قشون رودار سنیا کوشده علاوه برین قشون در کسکله
 غیر یکت فرمان خیرل شیفری چهارمات قشون موجود خواهد شد
 وزارت جدید فرانس از این قشون قائم شده (استر ریست وزیر اعظم) (استر
 بودنگ) (وزیر جنگ) (استر بلکاس) (وزیر خارجه) (استر تیرال)
 وزیر مال روی حسابات از قشون این وزارت اظهار می کنند
 ۹ صفر - از لندن - سه کت نموده اند حسن - سبحان اسپانیا با هم
 جنگی متقا موقوف کرده و در چهارمات یکی کسکله در حرکت بود
 بمسندل شیفری او شکستن اطلاع داده که سردار اسپانیا با هشتصد نفر
 سنیا که در حرکت است این وقت پنجاه و چهار میل دور است
 بمسندل شیفری بدن نامل اظهار در رسیدن امداد داده و دارد که سنیا که
 حونا بد قبل از آنکه قشون اسپانیا برسد
 بمسندل بلکاس وزارت جدید ایتالیا را با این قشون کسکله داده (ادمرال کنگ)
 وزیر خارجه در جنرال سن از نال و وزیر جنگ خبر کرده
 و هشتم صفر از لندن - (ادمرال کنگ) با چهارمات چند و در بندر رسیدند
 ذغال گیری و کبگیری میکرده از طرف از والا حضرت خدیو سوا را منع کرده اند
 جواب داده که چهارمات فرانس به جهت دست درین بندر آمده است
 چهارمات و هفتاد نفر سوا در هزار و شش قشون او یکا در سوا رسیدند
 یازدهم صفر - از لندن - قشون او یکا کسکله مضبوطی بجهت کسکله سبیا که
 پست آورده - جنرال شیفری بجهت راه نمائی و تاید قشون او یکا در پست
 املی کسکله با استعداد که مانع شده از رسیدن امداد قشون اسپانیا
 با آنکه امان رسنا اعلان بیطرفی خود را در جنگ اسپانیا داده است
 یک چهارمات جنگی او در سنیا کسکله املی او یکا کسکله حسین زیاد آورده
 او یکا (ادمرال یولی) را حکم داده است که بمن پس قشون او یکا فرانس کسکله
 اعلان قشون او یکا که دولت آتاردنی در در حفاظت سواحل اسپانیا
 این بود چهارمات یکی دول تمام از داخل اعلان فرانس
 از یک روی او یکا که هفتاد هزار از اسپانیا در کسکله سبیا کسکله
 اسپانیا در کسکله سبیا کسکله سبیا کسکله سبیا کسکله سبیا کسکله

احضار خادمان و واقعات ملکت عثمانی و جب نگارش اخبارات ترکی و عربی و قیام نگاران اداره جمل المیتین

در آئین ششم ثانی ماهی اسلا بول محمد صادق و ملا اسلامیان حق بیارنخی واقع شده و تخمیناً هزار پانصد نفر رسیدند و دوکان و سی کان عالی دیگر و یک کارخانه نمائی و سیصد و پنجاه و یک مکان آغوشی ماکتور شد و این سیرت از تعداد فوات نموده عمده بوده است

در بازار لره در یک جهت خانه کعبه زمین بازمانده کان شهدای جنگ ایران بر پرتی شخص مقدس حضرت خلافت پناهی آفتاب شده در هفتم و بیستم و بیست و دوم ماهی آن کعبه چنجاه و یک هزار و یکصد و پنجاه نفر ستر شده بنفش سیرت

جنس لجه لیه پاشا از جانب حضرت خلافت پناهی حاضر نشان دستان عالی بکیت و لجه لمان بود ۲۲۰ نفری شرف اندوز خدمت امیر المومنان شد در ماه جولائی دو چهار حضور ماکتور و در جسد از کشته زالمان کپانی چنانجا اسلا بول از زندان فرزد و با اسلا بول فراد رسید

دولت علیّه عثمانی بتاریکی چند نشان و نشان بکیت رجال مستقیم و کت علیّه ایران فتنه ستاده اتحاد و ولایتین علیتین را زیاد فرموده و آن اخبارات ترکی نشانی که کرده را بنام سامی ذیل میسیرند « ش هزاره عزیز اندام سیرت» « محمد زلفیق الدخان » « حسن علی خان امیر نظام » وزیر کل آذربایجان « آقا میرزا علی خان سردار قشون سلطاس

دولت علیّه عثمانی کمرک و خال سکی بکیت مصرف راه آهن سمنار ممالک خاور و اروپا و تعداد پانزده سال مسافر فرموده اند

در مصافقات طلبت مقام ارسلان از زیر زمین تخمه سنگ در می که تصویر چند اسب سوار در دستورش بوده و از آثار بسیار عقیده است بدست آمده و در عجایب خانه بعد از اسلا بول فرستاده اند

ای حضرت سلطان سلطانی (در دول) حضور معروف المان را در وقت مرده اند که کشته جنگ (دو نموک) و سایر مصافقات همه جنگ جدید و ولایت عثمانی و در کت کشیده تا بنوع تخمه نند امیر المومنان روانه دارند

حضرت سلطان مستخدمین بازار شفق را در جهان لید راست بکیت و حاکم لشکر سیرت امیر حضرت سلطان آفتاب شده اخبارات عربی بازار شفق سیرتین بلحاظ رتبه مقام و رتبه نشان حمایت فرموده و چنانچه

سلطان پاشا در وزیر زراعت دست نیات و نظر ملاحظات مقرر فرموده اند پانزدهم ماهی ماه فرسنگی در بازار شفق باره و هزار نفر شاگرد و شاگردان خدمت سید محمد الراق افندی قاضی لشکر اناطولی مقرر شد

رجال دولت علیّه عثمانی را برای این است که درنگان البانیا را بعد از امین بافت مکتوب نموده اختلافات سورجات طحه برابر ارض و دفع نماید و سیرت همگام بکیت تخمیناً اختلافات فتنه ستاده اند این امور اسلا بول حاکم جدید است که سیاه البانیا لره سردیاد و فتنه زیادتی از اهل سردیاد بوده

حضرت سلطان مستخدمین امین قلی را در وقت مرده که چهار دیوار کشته طحا چند همگام بر او قرار داده دولت ایران را هم امر شد که احکام قهر و تسلیم را از اول ماهی تا پانزدهم ماه مذکور چهار صد و پنجاه هزار نفر سیرت اعلام وارد اسلا بول شده اند آنکه دو سیرت نفرات قلی و پنجاه هزار نفر سیرت و دو سیرت نفرات ملک سیرت دولت علیّه سال و اعانت را در وقت آفتاب فرود است دولت علیّه انتظام بازار شفق را بسلیط افندی وزیر تجارت محل فرموده تا سوم ماهی هفتاد و پنجاه هزاره سرایه بازار شفق بوده است تخم روزانه بیست هزار نفر سیرت اشیا و فروش سیرت

حضرت سلطان امیر فرموده اند که چند ممالک علم امارت جمل امیر و کت تسلیم و کردار اسلا بول بصراف دولتی و خصل کنند (این نکت ظاهر میدار که خیالات حضرت سلطان من با سایر امارت خود سیرت که از دولت مشارالیها موضوع شده بسیار عالیست و قیام جمل المیتین میسیرت که کت قیات و مکتوبات سیاست و دولت علیّه عثمانی ظاهر میدار که تا بیست سال دیگر امارت ها لکه از موضوع شده خود سر شده اند کاملاً داخل نماید اینک رجال سیاست عثمانی سامی اند که باشندگان امارت مذکور را فقیه خود نمایند و در این نوع انحاء و اشکال کار در جاهای بزرگ شده و می شود

محمود و جمال پاشا که در مدارس دولتی اسلا بول تعلیم فرموده و اللاف سلطان شد در فرج حضور سواران نیزه دار سپه قاری مقرر خواهد کرد و اینک نیزه سواران نیزه دار

قابل توجه والفت علمه اسلامیان سیما ایرانیان

یکی از دانشندان زردی مسافر پروردی و اسلامی برسی وطن فرامی مقاله
ذیل را با در دسترس داده خواشیم داریم که بیشتر کین مرقم بدت بخوانند و بدنه
فرانزین بکستان خود هم بنامیده اگر بدقت ملاحظه شود مقصد و اباجال اجازت
مقالات است گزارش ما ذات و واقعات جدید بالبع است معایر بدت
درین گزارش مرتب است از اینگونه مقالات است ملت متبده میشود از این
مقالات عرق حمت ابائی وطن جسرت میکند از اینگونه مقالات قابل وطن
وطن پرور میشود از اینگونه مقالات خداوند که شش خنوا و خداوند قدرت
خداوند وطن پروردی و خداوند حقوق شاه شناسی که خداوند مسافر
پروردی و خداوند اسلام پرستی و هم

(مقاله یکی از دانشندان)

ارقت و ما بعد السماء المورق و بالی من سقم مالی مشرق
زشت یکی از جهان فرزندان که در سرور دین بائی که جوش آب با ناز بود
که شته با یابذ انت ارگنار و در که در و در سرور و در و در سرور شکت میکند
ارود که رسید که در از میان شهر قلیس که پای تخت و محل حکومت کرجستان است
در سه اهرم شود و مع این رود از که بای قحاس در حوالی شهر شامی و مسیحی بود
ارود و ارس و مسیحی برید با یاشنریا ایسکون این شهر که در و در طرف
این شهر است و خصل نزه و دلکش و خوش منظره خصوص در این اوقات
که به سار است چند طبقه عالی ترین فوق العاده گرفته است از شهر با بزرگ
ایران بشمار میسرقت این شهر با یاشنریا ایسکون و بعضی از مقدمات است
در زمان خلیفه نهم بسرواری حبیب بن سلیمان بن ربیع مکتف متوج
مسلمانان شد و از آن پس یکساره که در زیر فرمان فرمانی پادشاهان ایران
و سلاطین اسلام بود چند مرتبه مردمان این سرزمین شورش کردند و در هر یک
و خدا که شمالی بسزاید و در و در زمان طغای عباسی در زمان مسلمانان
واقع شده و در زمان سلطان حسنالدین محمد خوارزمشاه و در زمان
ایسبیه محمود گورکانی و در مرتبه در عصر پادشاهان صفوی و در زمان
افشار و در عهد آخسی در زمان اول سلاطین سلجوقیه که تا جاریه که معاص
بازمان مسکرانی کاترین مکه رسید بود و در زمان مسلمانان واقع شد که
این وقت بهر یکسوس الی کرجستان خود را در تحت حمایت مکه ایران بوسینه
کشید اگر پیش او در این حمایت را بطور کبریه رسیده بود با ای اگر شمار در وقت

از طرف نهان از مسلمانان ایرانیان از عهد اسلام تا کنون در مجاریات احوال است
این شهر بر سر تاسمال و در سلطنت فاتحان شهید سید قاسم خان قاجار بر سطل
شکری کرسه داری و اولین و یونف بود از طرف کین معروف سخن از سنا
نیز در برخی از بلاد کرجستان و در اولی مانده سیر حرم که معاص و با زمان
فاتحان صفوی فغلی شاه و مسکرانی الک اندر اول کرات رسید بود و سکه از طلا
باختنی و درغات فوق العاده و مردم هزاره طالب شاه با تاسیرل اضافت
از تحت روس بنار رفت و در نهجای پادشاهان گذشته که این در وقت
مشروع آنها نازد و در نهجای بر خسته شده مسلمانان پایمال شده اینجست
در این زمان به شخصیت تاریخ نمودیم قصه سوزناهم شخصیت عالی شهید قلید
و همیشه از است این است صورت اصلی بود که گشت روس سیر و در کنگی
که با ستم صلح و در وقت با شیره مسلمانان و او وقت این صفت بود که از شمار
خود گرفت میکند علت اینکه الحاق مملکت کرجستان را بدولت روس
روسی شدیم نه از برای این بود که روسی در مملکت داده بشیم یا از ویادی در
خاستار شیم بلکه از آنجا یکجهت با هم راه معروف را به مینت شامی
آزادی اطلاق آسیاس میکشان مسی است این احوال را فی شیم با یابی
که از خج گرفته میشود تا ما به کرف خود کرجستان خواهد رسید و در احوالات
انجا که از حملات مردمان وحشی ویران شده است اما خواه عینه شخص کیدین
الحاق از برای خود مکتف که دریم خوش نمی آسود که در حالای آن مسلمان است
و این است بهترین سوره مکتف سلاطین کجان مال خیال و با از اس آمانا
و آزا باشد (اهم خوب است فحوم را بکنم)
و این در گاهی بود که دعای اللهم انزل الغالین الغالین صحاب نمود و بزرگ است
انگیزه که در بزرگ بود و در کرم سید علی مثل بوزارت بود و ازین طرف کم
افتشانات و خلی که از شهنومات نادانی افراد است سرود بود و کاشنکه
دو دست سال قبل در مسین اروپا که در روزار بعلم یاد و سلفاقتش که در قبل
از یکبار مکتب و انتشار معارف و همدین فائده بسیار بود و روح آنان با آن
علم هر روز به تخی و به سه ساعت یکی گاهی وقت اوقات فراغت میسر که
گاهی وقت از غل وقت را سرب استقلال رسیده است که هیچ امپراطور بر پا
بود گاهی با پ معارضه با امپراطور راجه و شمت ملام هر جنبه من مکر که
و چون سلطنت با مثل امروز مشروطه نمود و با اسطوره است حال قوه سلطنت
هر از اینجهت جهانی بار و عالی باشد و یکم با سید معارفه حسانی و غیر سخن
و است مسلمانان با اصاف که یک قومی با سید معارفه حسانی و غیر سخن

در دم زلیل و فواره در زین دست پا خورده بود تا آورد که بر
 و کاتبه انشا طرم و صنایع و آفرینی که موضوع آنها قوانین مقدسه
 است آنان قانون مقدس اخذ نموده و آن مردم بمرکت استمال آن
 بین باید جات سعی گذاشته و اگر محیط آن قوانین بودیم و به خطبه
 ام آن قوانین دو چار زلت و خواری های ناگفتنی و بدبختی های نامر
 ایم و محب است که خود نمی آید کم و سعادت اذات و ابراهام واقع شده ایم
 ن آید بجز زبان میان کلمه که روی سخن با کسی نشناخته و ندی که تا درون
 ده تا همسرا و از تمام کرده اما گاه است بر صدق تمام گناه گناه است
 بوضی شکیبایان و قار میمان نمازیم و از ارباب ماست اما جان معجم
 خوبی ندیده ایم نشینده ایم لکن جز که هست می نمیم که کار از نشستن
 شاکردن و توره عقل که خداوند از برای اصلاح امور است شمس انسان غایت
 برده است اصل که استن و در امور است شخصی امورات را پس استن و
 در است نمی و قوی خواهد بود است الغیب که دن و نمود با بعد از تمام قرض استن
 غایبات و غیر بیاد و شستن و از هر که تا که محتاج بفرستی تا بودن و امور است
 آری ارباب استغزی اجنبی معلق گذاشته در گاه میان کماهی فرنگ با
 آری رنگ استن در وقت کار مثل چشم مغرب استن رنگ شدن
 در کمال هر شس بیوشانه رفتار کردن و در منهای گاه بی خبرانه در شرس
 شدت ترا میدن از بی حلس و اخذ خود بی اطلاع بودن عرفانی حیالی را
 بسندای احساسی و ادون حقوق این شست به بخت را بصورت تبدیل کردن
 نشسته است یک چهره می نشاند و دره با دفا در هر سیلابی بیوجه
 قلم که روی سخن با کسی نیست چسبیده است که می بینم مضار افعال همه
 روزه و رابودی بدبختی میکشاند و دسترسیم که نادیده بی دره شود و نشسته
 شنیده (با که که در همه دره زنده که سوی آب نده کی پوینده کن)
 (استرا با و)

ایشان یک ثوب عبا می فرستد سلسله دوز مسیلا الهام س علی بر
 ایشان از طهران رسیده جناب استیلا شریک آب
 آقا میرزا امین محمد سلطانه عالی آدام با خفاه مجلس شرفی
 نموده خلعت شادانه از جناب انظم العلماء و زین بیکر خودشان نموده
 جنس بی نظمی با که هست انشاء الله پس از تشریف کشدانی بجا
 اهل کرم آقا می شکسته سلطنه رفیع خواهد شد

(بلوچستان و کرمان)

در تاریخ نگار جبل اللین مینویسد سابقا از اقتضای شرف و منزلت
 شدن بجز تکرار اجنبی انگلیس در جبال نوشته بودیم دو سال است
 که بر اسطی سالیانی حال سلف الملک سعایای بلوچستان بجز یک یک کرده
 مراد خان بنای خود سدی را بنهاده و مفر بلوچستان که از حیث استعداد
 آلی بندرستان است از نظام رفته مالیات دیوان بنا خرافت او
 بواسطه گرمی هوا که شون سرمدی طاقات ترقت نموده و از اندر زور بر
 بر سارت آنها انده زوده تا در ابتدای پناه استند که سبک لاهر حضرت
 همایون مجاهد جناب سحاب اهل آصف اند که از نوکرهای از موده بر
 دولت ابدیت ایران است بجز کرمان و بلوچستان متفر آمده با در
 منفصلی برای نظم بلوچستان از کرمان حرکت نموده و از بلوچستان نشسته
 در مدت قلیل که عبارت از چهار ماه باشد نظمی شایان در بلوچستان داده
 اشخاصی که سر از طاعت میچسبید بودند تحت اقتیاد آورده بدون آنکه
 از راه پایمال یا ساری شود همه را با نهایت تدبیر و همدلی سلطنتی ختم
 قتل را مالیات آنها داده و قائلین صاحب منصب تکرار فایه انگلیس را
 بدست آورده و بقصاص ریشاه سردار حسین خان از شدت و اجمد در گوه
 پناه که در شخص شده جناب اصف اند و با نهایت سختی او را می سرود که در میان
 و اطفال مشارالیه برای خلا جان خود دارد آمده بجز بچانه چاهی شدند
 و استعدای خود قصیر است مردار حسین خان را نموده بهر حال ملکشی که در سالی
 حالت خسرانی دارد که در اسطه غم را رخ و دو تو را می و تیر و درش جناب
 اصف اند و در بدون خسرانی قتل و تاراج بحالت ابدیت برگشت و است
 انجیز نیز از نفس من که در خوشنود گشت دوستی و بر سر آنها با دولت
 ایران حکایت یافت

جناب میرزا بهاء الدین مستوفی که در تهران در از لسان طهران در دار
 های بزرگ دولتی ممتاز خدمات بوده و چندین دست و رجالت جناب اهل

در تاریخ نگار جبل اللین مینویسد موجب تکراری که شبک ۲۵
 ذی حجه از طهران رسیده جناب سحاب اهل کرم عالی آقا می غیر سلطنه
 بسکرانی و ایالت استرا با و منصوب بجز در شده تمام مالیاتی
 آنچه کمال خوشنودی را دارند زیرا چند سال قبل که بجز کرمان این صفات
 منصوب بودند طوری رفتار کرده بود که احدی تشکی داشت
 جناب فضائل آقا صاحب الامیرالرحیم ناظم العلماء که همواره مراتب و در
 دعا کوری ایشان بجز کس اعلی رسیدن اوقات غرض توفیق خاطر

عاجی آصف الدوله بکرمان آمد. مشول خدمت است بر حسب استقامت
جناب آصف الدوله و تصویب حضرت اهل مکه و علم فقیر شمس الملک قرین
شده بود و توجیبات مخصوصه بجا بگشت جناب شوکت الملک نایب الایام
کرمانند زنده از جناب جناب استغاب اهل عاجی آصف الدوله در خدمت نشانی
بنامان حکومت معلوم از خدمت گذاری را در نظام شهر و بلوکات عمل الله
اقتدا و ایالت و جوانی را بخوبی در موقع معشره وصوله ایصال نموده
شهر کرمان و بلوکات از استقامت ایشان در نهایت انتظام و عاقله
رعایا آسوده با برتری و معنی خود شوال دارند

(جبل المتین)

فی الحقیقه از وضع مهربانی و سلوک جناب عاجی آصف الدوله که بدون
اینکه احدی از اهل بلوچستان تبا و تاراج شود به نیت عرض کرده بشکر
داریم البته شخصی که از ابتدای شب تا تاکنون در خدمات و و پا داشت
عمر مبارک را صرف نموده لازم وطن پرستی و عقل را دارا و جاشده از نظر
سلطنت میکنم که بر توفیقات و در امور و جات ایشان بیفزاید

کتاب

در استقامات عربستان

از بنده مبارک انصاری کیفیت بجای انحصار متوسطه و زنده خدمت
دادم ایک بعضی اطلاع شکرین محترم خود این مسافرت را عرض میکنم
شب غم شهر حال جناب ملا القاب حضرت اهل آقای سردار اکرم به استغراب
سکار امیر الابرار العظام آقا نصیر خان دام آقا اهل طاعت حکومت خلافت
و بنده ای را بنیاب شیخ عبدالعزیز صاحب بنده بفرمان آقا میرزا علی خان قاضی
جسدی محترم فرمودند و استقلال حکومت ایشان را در انظامات آن صفات را
از سکار امیر الابرار العظام رسانا فرستادند و سکار شاد را به کتب
متقبل شده در همان شب از انصاری حرکت فرموده که پیش از این
و میرزا علی خان سایر مشایخ حیب و یک قریب آراسته از انوار انجمن
بسمت جرایم حرکت فرمودند که کتب جسدی خبر رسیده که مقرب الایام
میرزا فضل خان که مدتی بود از حکم ایالت عربستان دور گشتی میکرد و در
توان از سنه ثانیه الایام به داشته در او ای آن مسافر و سایر
بافتد از انوار و پیاده رود و بنده جان و ده خلا و جسدی در قریه و کلمه تلف
آباد که محسن استغراب حکومت استمداد گیری و لا خدمت و دل حکومت جسدی
انتظام استقامت است که بعضی از کتبش فساد را برکتی بعضی از کتبش

باب علم و تیر و صحرای کفر و کینه با اینکه از حضرت ایالت حکم اخرج بر فضیل را
از هر دو در دماغه جراحی داده و داشت توسط رسول و انار و کرم جادی بیجا
حد و محبت بود میرزا فضل و قوم فرمودند و احکامات ایالت دیانت را به پیشان
فردا ند و صحت نشان ارجان حسین فسیله بود که در ده خانه و ده بنده جان
بوده اگر از شد و تمسک پر و کینه ایالت حاضر شده در باب باقی و جانیات
ساقه خود رعایت حضرت اهل سردار اکرم را تحصیل کند

اینجا یک کلمه کینت و صلاح بود دولت خواه بود و بنده جان که او بر باد بود
که رسالت و کینت و شمشیر این رسول بگوشش باد بود و جوانی ظفره آمیز و کج دانه
میرزا توسط رسول در کربان و پاس فرستاد چون حکام و سفارشات بخت
در باب بر فضیل سربکار صحرایان شده بود چاره اندیشه که هر شکم با بود از
و کعبه سواره میرزا حسان حاکم جدید جسدی میرزا فضل نزدیک شده باشد
تاثیری کند و پندی ببرد و بر او دو توپهای که در یک سفره سخی تلف آباد
بنام حسیته اردو گاه قسر بودند شی را هم توقف نموده و بار میخیزد از جزایر

جنگ از طرف فضل کوشش نزدیکه شده پس آنکه در می جهت تهر و قدرت
تا مورین دولت علیه رفع نموده صبح روز چهارم ماه محرم نزدیک شدن میرزا
اردو را حکم که یک کسب نموده و مطلقا خیال برش و منگی داشته و شادش اینک
تمام بنده و کسب این کسب از بجهت فرموده و بنده نگارنده هم در کاب کبار
خان بود هم بنده در قسری رسیده و تلف آباد کباره که سنگرمای میرزا فضل
تنگهای بار طینی بلند شده مشایخ حیب میرزا بنویم که تهر میرزا علی خان و بنده
کباره عامهای خود را سببین زود و چنانچه در اواب رست استخوان نموده که بر

لازم است که در جسد این جبارت میرزا فضل خان بارودی تا مورین و ان بر یک
اگر در قوه و قدرت سپاه کارخان این بود که کباره و یک پیش قلعه
و سنگرمای میرزا فضل استغراب فرمود لکن چون معلوم است که تهر این و برش
قتل کشیری از خمسه طرفین بود سکار خان رضایوش نداده لکن فرموده
استغراب او را به محکم کرده که در این نیت که بنده صبا می راهها را بسته باشد
شاید در صلح تعلیم نماید این بود که سواره و پیاده بچوب است شمال مغرب
خلف آباد که سائل روح دماغه است حرکت او در راه بختیاری و میرزا کسب

جسند قبله در سکتاب خویش از بجهت فرمود در بین این ترمیمات
باران خشک بود که سنگرمای میرزا فضل خان بر سر او میرزا حیب
سنگرمای او بر طرف بنده و سنگرمای فرموده و بنده نگارنده خود و آقا میرزا
سرشته و بختیاری را با است تحقیق بنده فرموده و هر یک از جوانی

بستی که بجهت ایشان تفرقه نموده بودند خشمش کرده و در میان همین
 اسبی از نظامان سرکار خان تیره گرداشت و فوری نیزه بازگشت
 و اسب را تیرگی کرده خود را بر امیرق رسانید و عجب بسیار همان روز
 تیره بی نظیر پیش سکر فضل را متصرف شد و سرکار خان از سمت
 شمال عبور فرموده و امتعنائی با اران آتش تنگ کرده از خط سا
 بنا قبله رفته پیری را سکر مسلم فضل بود از تنگ تنگیان او گرفته یک
 سکر دیگر در حال آن متصرف شده و تنگی و سوار در آن سکر با آنها
 بست ای حسد که فرمودند که از خط جنوبی قبله خلف آباد مسافت تقریباً
 هشتاد قدم واقع است آن ده را هم متصرف شده تنگیان فضل را از آن
 خارج کرده طایفه بنی خالد که در انطرف همین ده بنام سین ختام هستند
 و با داد می فضل خان علی الظاهر تنگی فتنه ای هم داشته و جزو سکر مذکور
 فرستاده و گفته که ماهی که گزبانخی و طایفی دولت نموده ایم فیصل با برادر
 برین خوایت داشت سرکار خان هم که بخیر نام یک دولت اداوی با بریت
 مقصودی داشته فوری مان و خط و بجهت بجهت طایفه بنی خالد که عده اعواب
 جسدی هستند فرستاده پس در همان تیره سین را در گاه فرمودند آن
 بمن در و در توسط چاوشان ملاحظه شده و در رئیس و در رئیس سپاه پیش از رفتن
 که احدی و خسل خانه های رعایای ساکنین آن تیره نشود و دست پرگانی
 از ایشان دراز ننگه چوین شده و آن روز تا شب فتنه و جمع تنگی
 تنگ از طرف فیصل بلند بود (باقی دارد)

(وحشت و تیرگی)

روزنامه مبارک ایران میسنوید بارون (دول) از تبعه دولت ایگوش
 که سابقاً در افواج قاهره دولت ملته مشاق بوده و حال رئیس میانه
 کلوب است بارون (کلیش) نام بواسطه بعضی مذاکرات عینت کویضا
 بین آنها رفته از جمعی بارون و دل بارون کلیش می گفته است چوین
 کتابی بعضی عبارات ریگک نسبت بمن نوشته اعلان دولت (در کتابی
 کرده بودند در روز چهارشنبه دوازدهم ذی حجه و وساعت بخروب مانده
 در جلالیه میباشند بارون بودند

این خبر وزارت فتنه رسید قمار السلطنه وزیر فتنه عباس قلعینان
 میسر چه رئیس محله دولت را از امر امور نموده که رفته آن باران ایگوش
 که سلاف بزم این ملک است عانت نماید

و چنانچه باچار میباشند دولت کینه به عمارت دولت متصرف فرموده نشان

و همه که از سفارت بدو بود وزارت خارجه دولت علیه میسنوید و در
 اطلاع بدهند

و امر و این کار را تا آخر میزند و با سلطان برای این مهم اول بگوش
 جیاش گفته شد رایها بجا لایه رفت از لایه امین بجلالیه رفته سلمه شده و علی
 جلالیه در فن است عمل نمیشود و فتنه یکجا میزند پشت جلایه رفته
 و فتنه مبارزه و در غرض طیب برای بستن زخم و معالجه
 و پیش فتنه شهود که روی هم رفته در فتنه فرنگی در آن میدان حاضر مستعد بودند
 چهار دقیقه قبل از وقت که دو ساعت بعد از آن بود و با متعلقان
 رسید به منظور ابلاغ پیام وزارت فتنه را با آنها نمودند از طرف وزارت
 فتنه نامورم که شمارا از این جهت منع دارم با یک از خاک ایران خارج
 شده امثل را تا میاید با سفارت متصرف فرود آن اطلاع بهیبه را با وزارت
 خارجه دولت علیه اطلاع به

بزرگ که انجمن و ایران معمول نیست فتنه یکجا این پیام متکثر شده و در فتنه
 مبارزه با یکدیگر گفتگو نموده و با سلطان همسم میانه را گرفته شازده و فرزند
 نیند میانی شده تا بالاخره دستار بجا لایه دادند که بارون (دول)
 از بارون (کلیش) سفندت بجا بود و دل موقوف شود بارون و دولت
 داده ترفیض خواست مسلح کردند و فتنه گهای طایفه بار عالی نموده و با
 با حسیه جراحی و آب معدنی که برای شست و شو و معالجه حاضر کرده بودند
 عباس سلطان برود استتقا در محبت شهر نمودند
 (استخامی که در میدان جنگ حاضر بودند)

(دکتر شینید) (دکتر قول) (دول صاحب) (بارود صاحب) (نوربت
 صاحب) (شازده و فرزند) (آب و بیم سفارت فرانسه)
(ترقی تعلیم و یرا)

مدان با دولت بلند همت هر شیا را برای از بد و امر در هر چیزی که اقدام
 کرده اند در زمانه قلیل با به آن را بعضی مراتب و مع گذارده و در زمانه قلیل
 از بنگران کوی حقیقت را بر آورده اند علاوه بر این حضرت شاه پرتوی در آن
 مجبور است هر گاه پادشاه جنگ جوی را با آنها نشان در دانش قلیل
 زمان نام شجاعت و جوان مردی و دلیری آنها عالم فتنه گرفت چنانچه
 با آنها شکست و بعد از آن همه ضعیلی در خدمت پادشاه فشار شجاعتی
 ظاهر کردند که نشان آقا قیامت از صفات این مرد جوان شد و در زمان
 مسلمان منتهی چون پادشاه نشان سنجب پرست بود و در فتنه باران

جوش بسبب برسد که در زمان قبیل پهلوانان یک جنبش
 در میان مذہب عمومی از اقلین و سلاطین سبیل قاجاریه و آجایی بسبب
 با کام شیع و راسخ و معتاد و در مذہب بود علوم مذہبی بقدری در ایران
 رواج گرفت که بدون انحراف حق و عدوان مجبور از روز مذہبی مسائل
 دین و مذہب خود بر رویه و وقت شده اند که متوسطین از ملل دیگر در وقت
 نیشانه علاوه برین پادشاهان قاجاریه در غیرت و برات خاصه سی
 کال میل راه اشتکند این روز بقدری در ایران کاروان سلسول غیراتی
 و غیره و غیره ابداع و اعدا شده که در هیچ ملک ملت این در برده دیده
 ایلحضرت آقدس شاهنشاه عالیله ایران سلطان مظفرالدین شاه غلامرضا
 بمصدق آنچه فرمان دارند و تهنیت داری علاوه بر تکمیل تمام صفات
 مکروه و سلاطین و ائمه ایران سلسول مغربی در ترویج علوم فسنون بدین
 که محتاج الیه تمام است تمام علم عمومی که مایه هر کس که ترقی و
 نیکبختی است دارند تمام ملت ایران متوجه باین مراتب شده و روزانه
 تسلیل شالوده عمل را برپا نمیکند و گدار و امینند است در اندک زمان در
 مراتب نیندگی بخت را از پهلوانان بر باید در نمود مناسب است
 از هنروران بشارت که گرامی روزنامه اطلاع نوشته و بیج نایم تمهید
 عنوان کرده

(بشارت)

عده مذایر این اوقات بشارت عده و اشارات معینه در باب
 ریقات و ملن و ایرم اما افسوس است که هر چه روشن غامه و خیال با
 و سبک میراست بحال مقال کتبت تا مطلبی را شروع میکنم روزی
 پایان رسیده و دیگر باید منتظر بایستیم اینست که فالت طالب
 ابرمانه و فتنه اوش میشود و یا کجسته میگردد و از نوبت کارش میگردد
 الله لعل کار علم و حکمت و مکتب و مدارس از ب پیشرفتی هر سینه
 و این بانی شرافت انبار شالوده محکم و قاعده محکم تا سید میشوید
 و در کار با دوزبانان نیاید گزند و این شریف علی مولف از همین علم
 و در باب فضل و دانش صاحبان ذوق سلیم حرمم با این تا سید کتبت
 پهلوانان در تحت ریاست و نظارت وزارت علیل علوم برقرار شده
 که همه دور و دور منتفع و در باب ترویج علوم و اصلاحات اساسیه
 کاتب مدارس و تربیت کاتیب علم علوم مذکوره و پیشرو
 چنانچه شیع آن در روزنامه اعلان علیل شده و ماسکله و بار روزنامه

الطبع منتشر گردید
 در اینس قدیم دولتی که در سال نظام و ایردستی از تجرید و کفایت
 در رسد شریحه رسته تمام که چندان است در لغات غامه و بیگانه
 افسس چایون شاهنشاهی و حیات و این توجیحات صورت حضرت
 مستطاب از طرف اجدد صدر علم در تحت و از اجاب ضامن آقا
 میسر حسن معروف بر شد و در پیشه بر آن بطور مطلوب و معینه در
 وقت انون به به تعلیم و ایرد در سال رونق است رشد و ترقی شاکر
 این در رسد و اینست قلیل بر هر کس شهید و معلوم شرح تقریباً
 از رسد اریست که در ذیل نمره قبل روزنامه اطلاع اعلان مرقوم شده
 و در رسد و دیگر هم که یکی در رسد است و دیگری در رسد است
 که در ذیل اعلان انجمن تا سلس کاتب علیه ایران کارش منتشر شده است
 به صورت وزارت علیل علوم و تقدیر انجمن بر زیر و برین
 و همسرهای رجال و پیش پرورد ملن برست فائده بحسن و اقبیت و جناب
 جلا قصاب چشم السلطنه میر و میا و کن وزارت خارجه در تحت ریاست
 جناب علیخان ناظم العلوم که وزارت و پیش اطلاع معری الیه بکفایت
 علوم فسنون متد و در هر چه به مستحق از طرف تجرید است

در جنب میدان و بخانه که تقریباً حرکت شهر و اطلاع داشت تا از
 و ایر شده و از اعلام مقامات و حسن تزیینات آن امیدوار کمالی
 که عقرب نیامچ عالیله و فواید عظیمه از آن حاصل و شب به
 مرکز و منت تعلیم و تربیت متدرجاً دیگر قاعده و اصلاحات با بهره
 عالیه و عینه مشبب شود

در رسد عالیله البانی جناب جلاله تائب آقا میرزا کریم خان متعلم السواد که
 سرور و کریم هم که از ده و سه سال قبل شروع بنیای آن نموده اند و این
 اوقات با تمام رسیده است بر حسب عده از ده جناب بانیان اول
 ماه و بیست اول (۱۳۱۶) استیجاب و در باره او شده
 وزارت و در اطلاع اجسمالی حاصل نموده ام جناب میرزا کریم خان الیه
 بخشش اهلک و خسیل که کارای منافع و فواید مسته به است و
 برین در رسد نموده و معارف صحافی و عالی رازی انجمن متدرج بر این
 در رسد خصوص اطالی تمام و در اعوام بوده و شاکر ان پس از رسد
 سواد فارسی از نوشتن و خواندن و قدری علم حساب و جبر و هندسه
 منصرف بر علم فلات خواهند رفت که آن در نیز با تمام و احسن جناب

تاسیف

مستندالیه اعداد و ابرو خواجه

جناب مستطاب بنده الملک زیر علونم هم که فی الواقع ترویج علوم و معارف
 فیضیه و تدریس است در حقیقت در عوم و حشر الدوله و کتایب اثر
 که تدریس بمنازل خودشان است عقرب در این خصوص لگال آنحال بر پا
 تحصیل علوم و فنون متنوع و اعداد و ابرو خواجه
 جناب جلاله قالی میرا راه حاجی محمد فان قاجار هم از تدریس در کتب
 باینده نگارنده مذکور میسر نشد اراده دارنده در مسکنه و رب دو لایحه
 برای تعلیم و تربیت اطفال آنحال نگارنده نگاشته
 از این ترویج بهیست شکر گذاریم و امیدوارم که عقرب از کتب
 سرگذراند که در واقع نکتت فایده و محسن اطفال است غایب است و در
 پیش و خیال و تنوع وقت بمستیان و مگر تدریس کتب فانی نوانوزان فایده
 و صلاح شومیم که لایحه پیش نه از آن چیز نیست که در کتب
 دیگر از آثار شریفه و آثار مهمه یکی در کتب علیه است که جناب مستطاب
 شیر الدوله وزیر امور خارجه اراده دارند برای بحث علم قانون و تربیت
 آن برارباب تمدن و اهل و نشین طالبان نظام امور پیشه و مستور نیست
 در اداره وزارت حیل و مکاره بیست فرماید و رعای و اثن است که
 عقرب بتایج عالی آن نایل شومیم چه فعلا امیدواریم که در این امر
 همین قبیل رجال تمدن عظیم الهمه دولت و ملکت است
 دیگر جناب مستطاب اهل اکرم نظام السلطنه وزیر عدلیه و وزیر تجارت
 دولت علیه که لایحه از رجال و نهاده بلذمه ترقی طلب الملکت مهند
 و الحمدله امور و تا مکرر معایج احصای معاصره عالیله درین کم نیست
 فردشان است خیال مایسوس و اعداد در کتب برای تدریس علم فواید
 دارند و ترقی از مذاعت این ملکت را که اهم و نفع امور بحال جمهور است چه
 هست ساخته و هم در محلی از جعی از صفه رجال شریفیم که جناب مستطاب
 معظم ملاده بر تالیس مکرر فواید متصم شده اند عقرب بعضی ابواب
 و ماشین زراعت یک قانون از دوله قین و ذراع با علم و سر شریف
 ملکت فرانسه از فرنگ بایران نوشته
 البته او مباشرت زراعت یک تفسیر را با آنها و اگر دارند تا از روی
 علم و خبرت خودشان برسم و طرز فرنگستان زراعت نمایند
 بل علم و عمل که با هم تمام شده کار باز و همیشه رفت میساید و خوب
 غیره و غیره

چونکه اطلاع یافته ایم حاجی آقای سید محمد مهدی چنین برادر جناب مستطاب
 و سلاطین اب الاغاسم حاجی آقای سید محمد علی امین التبار انصهان که مستحق
 از تدریس و تدریس اندوز حالتیکه سحر طراز از زندگانی ملی فرزند بوده
 داعی حق را اجابت فرموده و انچه که مادام الحیات سرد و نشود و بگریزاد
 و باز آمدن خود نموده و در عوم آقای سید محمد سید محمد شاد و جوانی بزرگ
 عقل و کمال دیانت و صلاح و محنتات خصال آراسته و محمودین الاقران
 بودند آن در عوم توتم رجب الربیع ۱۳۱۵ از راه شیراز روایح نبات عالیله
 گردیدند تجار شیراز قدری در احترام و پوزیری گویند که فوق آنست
 نیست در مصان داری آن در عوم بسیار تجار شیراز کار و بفرود کتب افرا
 در خانه جناب آقای سید زاهد شیخ خلف در عوم حاجی محمد صادق مامر شیراز
 وارد گردید بعد از چند روز عازم عسبات عالیله گردیدند بعد از شوال
 در کربلای معلی دو یوم علیل شده و رحلت فرموده رحمه الله علیه رحمه واسعه
 (تبریز)

وقایع مکارم خرم جبل البیت نبی نوبته از بخانیکه خاطر آقای ظاهر
 اعلم حضرت آقا سید شایسته حضرت مستطاب قدس اولاد لیسید کوان
 در آسایش رعایا و برای او اسودگی ارباب طائف و سیرات علیه استغای
 ملکت آذربایجان با تصویب حضرت مستطاب اهل اکرم فخر آقای امیر نظام
 و امت مکرر کف کفایت جناب مستطاب اهل آقای سعید الدوله که کنایه
 بریانت این همه طایف ارباب طائف را اسود و در شسته سوره از یون شمس
 معظم آقای سعید الدوله کف کفایت کفایت کفایت کفایت کفایت کفایت کفایت
 عید مبارک پذیرم فرزند از جده ایشان آقای سعید الدوله که در اعلیله طاعت
 جبه شمس فرمغ مباحی و سرفراز فرموده چون این رحمت فایده حضرت
 ولایت همه در حق مائده رعایا خصوص ارباب طائف و سیرات از بایکان است
 فرزند بر دو کول عائلت شده و با کمال امید داری بهای خود و سوس حضرت
 و اولاد طیب اللسان اند از اداره و حیل المین و مفتاح الفخرین صمیم القلب
 تبه یک میگوید
 بنده کان حضرت مستطاب اهل اکرم فخر آقای امیر نظام در جهام شکری و شکری
 و مساللات ملکی و قلمی همه وقت حضورند و خاطر مبارک حضرت لایت همه کافا اسود
 فرزند فرموده که تفسیر از آنکه از کتب موجود است و از آنکه از کتب
 و اطلاع در کتب ماکول الایندیکان و آنکه از کتب موجود است و از آنکه از کتب

این سال چندین کتب در کتبخانه

علی مدیح کرک را که دولت بکوشش تجار سو قانزونه پشت و
 بیست و ریات ملکی و قش کرک میخ قضا سقره خواشه و این سبک بخت
 تجار قضائی دارا کفایت عمل از کینه رعایا بیرون نماید
 یکی از دشمنان میگوید اگر در جنبه ای تو این ملکی که در جوش عبادت
 ابداع قانون واحد می نماید لازم شود که دولت نماید نور است
 پر شدن کوشش رعایا شش با یکسال قبل در تمام اخبارات ملکی اعلان
 چنانچه در ممالک تمدن رسمت همین قدر که کوشش مردم بر شد جوشان حکم
 خواهد بود این نکته تا میخ بیا بزرگ میستوان ممالک

چون جاب جلاله اب آقای میرزا صالح خان امیر تومان در حکومت قریه دافع
 خدمات شایان کرده روابط تجار و ولایتین علیین را زاید بر سلف حکم نموده
 از جانب خلی الجواب ای حضرت اقدس سلالی بصورت جناب مستطاب اهل کم
 آقای علاء الملک سیر کبر دولت علیه ایران مقیم اسلامبول بقطعه نشان آقای
 ممتاز گردیده معظم علیه نشان مبارک سلالی را با اجازه حضرت مستطاب
 ولایت عهد حضرت مستطاب اهل آقای امیر نظام زینب پیکر اتقا نمود از حد
 فراتر که روز بروز اتقا این دو دولت بزرگ اسلام را زینب فرماید و ممالک
 قریه قلیک غایت کند

بسم الله اصول پدیس از دیار اس از ترقی حسداید در وقت بصایع در ک
 آذربایجان روز بروز در سبک احکام و از دیار است تمام باشندگان ایران
 مردم آذربایجان در شاه پرستی و اطاعت و امر و قی ضرب المثل قریه
 روز بروز در اس و شلمی نه نامی آذربایجان در از دیار در وقت و این
 نیست که در اسطاسل مغربی که حضرت شاهنشاهی تبرقی و شاهنشاهی
 (پند رجیاس)

باز درین همه کتوبی با داره رسیده یعنی مراتب را در باره یکی از امور
 دولت نگاشته است بی اسباب تجار است لیکو این اخبارات
 ملت و دولت باشد این در وجه رنگ خیانت شده بواسطه سخی ترا
 امین کستوب را نه نوشته اشاره میگویم که شرفا و عقلا و حقا با بزرگ
 پاکت امانات منوع است امید داریم زاید بر این پرده دری شود
 و مخاطب این قدر متنبه شود

اخبارات و خلک

داخل راه آهن (نارنهد و سرن) هستند در روز در از دیار است
 چنانچه در عرض بخت نامه ای داخل راه آهن مذکور نسبت بهین ایام

سال منسی و چاه هزار و پند زاید بوده است در تمام سال نسبت سال
 گذشته داخل راه آهن مذکور دو ملسون در دست هزار پند و هفتاد بوده است
 در دست یک هفت چاه هزار من قند از قمان خارج شده است

حکومت هند از حکومت سینی من باب سیکر سنج آبادی که در عدالت
 دار کرده بر پورت طلب کرده است بعضی با می گویند در سیکر که در قریه آباد
 هستند ارضی منعی نیست و سیکر قریه وقت نیست

نوعا اخبارات اعلیایه بومی میسوزید که بعد از لار و الکن فرمان فرمای هند
 (لار و انفر) خواهد بود و در سبب سبب (لار و انفر) است که این سبب که
 فکرتان سببای هند شود

در مقام ماه جون راه آهن عظمی که در سبب که زیر تعمیر بود است
 در برهند و تعمیرات خود بدون لحاظ اخصاف بیات نموده که از روی سر
 شماره یک از املی هند ۳۰ اشلیک ایات میسوزید و این مقام که
 نهایت قلت است اگر چه شک نیست قلیل است ولی عیش قریه است

کثیر است هر دو طرف را باید لافله کرد
 در برهند رسا بر الاحضرت لار و الکن من باب سبب که بر حد نوشته است
 حکمت علی ایشان و کار و راه سبب لار و الکن است تعمیرات قریه زیاد

کرده است نیز خدمات سارا افغان قشون را هم قابل قدر دانسته است
 در سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 رسانیده از طرف قانون خود کشی هم کرده است

در کراچی یکی از افسران اروپایی را در راه مشایخه قتل رسانیده زود او را
 مجسمه جرم کرده اند قابل فرار کرده اثری از او معلوم نیست
 فکرتان سببای هند شود

در سال ۱۸۹۷ (۱۲۷۴) میل راه آهن زیر ترمین و سبب و آباد بود
 در سال ۱۸۹۷ (۱۲۷۴) میل راه آهن زیر ترمین و سبب و آباد بود
 کار سازی خواهد شد ولی آینه هر سال درین دو طریقت سبب سبب سبب

در سال ۱۸۹۷ (۱۲۷۴) میل راه آهن زیر ترمین و سبب و آباد بود
 در سال ۱۸۹۷ (۱۲۷۴) میل راه آهن زیر ترمین و سبب و آباد بود
 حکمت و سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب

عمر یک پانزده صد و پنجاه که در شهر دلی شخصی از تبارت اوقات باکی شده است
دیگر بارها فریبی دلی مرغای بجا بگرفتند

کاپورخانه (مشرفان) برق زده مکان تمام ویران شده مگر نفعان
جانی بکسی رسیده است

بعضی از اخبارات برقی میسرند اصل حکومت بنده یکدیگر به خروج
فکر بنده را خافت کرده یا خواجگه و کمال ما دشوار است به سال گذشته

که ظاهر بود فعل بنده من باب آنکه فصل در آزادی تجارت و قرضه
منع مشروع فکرها و اسامی که بخواهد حاصل بنده خوب است

آوازه است (مشرفان) ام بوس که یکی از دانشندان ملت است
و این وقت در انگلستان قیام دارد و در نیست یکی از اجنهای پادشاه

انگلستان مقصد شده
تاکنون از جانب دولت روس در بر سر راه قتل مقرر نبوده میگویند

ایام دولت شاه ایها مسلم است که در بر سر قتل مقرر دارد
همین وقت عملی حکومت بنده در باره امر معلوم نیست و نیز بنده

با حکومت هندستان بیوج پرشیده درین سلسله کار و ادائیگی بنده پس از تصد
میاید و اما اعلان رسمی خواهد داد

(اندین دلی نیز) از طرف وقایح نگار و ادائیگی خود میسرند که ابد طالع
در گلکته نیست و تمام این مراتب عمل است بچند آنکه کسانیکه در نظام

طالع اند از اهل شان زیاد شده
وقایح نگارند که میسرند که بیمارخانه طالع اولی مانک تو بهست طالعون

زده شفاخانه نیست در حقیقت چشم است هر کس درین بیمارخانه میرود
زود در خون او مطلقین طالعون است نه طالعون مصیبت بلکه در کجاست

بردم میسرند فریاد استقامت ایشان بلند است
از جنبه آئین دلی نمود کمال تعجب است که این گونه مزاحات را در

اخبار نمود و حال که در او سینه تمام خلاف و تعجب است که عمار از اخبار
ایکس ایگه غزوات را نیز سرتوب طالع است

از پورت حکم زراعت بنده ظاهر می شود که اسامی جدید و ارقه برسیع
نسبت سال گذشته خیلی اضافه است به بیشتر ازین زیاد آرزو به بیمار

و مالک خیر و شاک شده
این زیادگی سید او در نظر تخلف بین در ادائیگی نشد و در قیام در بیمار

قریب سه سوزانی بنده این نام سلسله آنکه طالعون در تمام بنده داشتند

فکر حکومت از تاریخ می شود

یکی از دانشندان میگویند که فخر بنده طالعون را نسبت به سایر دیگر است
کنند طالعون را بسیار از او که از فخر قابل برین امر است پس در صورت

که در میان طالعون مملکت در مناسب است که دانشندان انگلستان از دولت
هند انگلستان باغ نموده که هم نظر حکومت

این بنده هم کم تخفیف می آید و اگر در بعضی موارد که میسرند کار بر وفق
شان می شود دست از کار میکشند و در گلکته یکا لیکنان دارا بر گردان

دی و کانس با و جارب گشتن از دوران و اما در بنده و نیز بنده نیز از ادائیگی
نایبند به آنها قوی دست از کار کشیده دست پای مردم را بنده میسرند

ایام در رنگون گادو دست از کار کشیده اند به بعضی بر کار اگر خدای صومعه
بلی لاکت و نظافت از دست آنها گرفت بود ممالک حکم اخذ امور میسرند

آنها کارخانه مخصوص که هم آب گرم هم آب سرد است باشد بسیار از این آب
مردم است که خارج از بلوا و غماست کار با هم بر وفق برادر شود

از پورت تجارتی معلوم میشود که بکس از بنده ماه کهای بازار در اول
گذشته تجارت بنده بصورت اولیه خود باز آید ماه مذکور آنچه از بنده مال

خارج شده بود پنج میلیون و سیصد هزار بوده در اپریل ۱۸۹۶ است و در
سیصد هزار اپریل ۱۸۹۶ بود و هشت میلیون یکصد هزار این از یاد صرف

بر اسطه مخدوم بوده که در میلیون و سیصد هزار از ملک خارج شده در اپریل
۱۸۹۶ امری از بنده و تقاضای فلز بنده و یک میلیون پانصد و پنجاه هزار بود

زده است اپریل ۱۸۹۶ فلز از بنده خارج شده است بچند آن که
که در اپریل از بنده خارج شده است به ایتالیا از بنده و نهایت از دولت فلز

آنچه از هم که بیشتر زراعت معلوم می شود حاصل زراعت اسباب است با آنچه
خیز شده بود و فی مابقی با نرود و نایب عمل آمد و سید او از زراعتی تمام بنده

این بنده این آمد (۶۵۰۶۵۲) تن که هر تن بیست و هشت تن بنده
و بیست تن چینی سید و سید در بیست و هشت تن سال گذشته بدین

سید سید او از زراعتی بنده (۶۸۷۵۲۰) سال گذشته در بنده
بنده (۶۸۷۵۲۰) تن بود

مقدار فلز که در بنده چینی از بنده خارج شده از وسط ۹۳ تا وسط ۹۴
(۶۰۷۸۲۸) تن از وسط ۹۳ تا وسط ۹۴ سال گذشته (۶۰۷۸۲۸) تن

تن از وسط ۹۴ تا وسط ۹۵ سال گذشته (۶۰۷۸۲۸) تن از وسط ۹۴ تا وسط ۹۵
سال گذشته (۶۰۷۸۲۸) تن از وسط ۹۵ تا وسط ۹۶ سال گذشته (۶۰۷۸۲۸) تن

سال گذشته (۶۰۷۸۲۸) تن از وسط ۹۶ تا وسط ۹۷ سال گذشته (۶۰۷۸۲۸) تن

طقت خروج کرده درین دو سال و هجست بر اسطابق بود و متعلق علی صاحب
 قاضی این کمی ملاحظه شود که از ابتدای سنه ۱۲۹۶ م تا ۱۳۰۰ م یعنی پنج سال ازین
 سال چند (۱۸۷۷۷۰) تن شکار کرده و در عهد دو ماه بعد یک در تمام این
 سلف فلک خارج میشدند بیرون وقتیکه از لحاظ این عنوان با انچه در
 ملت گران و حسنه نبوی ظاهر خواهد شد مگر که در سنت هندی لایق نگاشت
 لایق نگاشت در آخر سال با زردم سیلابی گران دو بار فرایند شد
(اخبارات خارجه)

آنست که معلوم شد شمشیر که در قلاته بر (کوت) از کوه دله در برین نموده بود
 از ملت انگلیس و ده میگویند در ضعف القلی است از طریق کوه در نزد او میران
 آمده ظاهر میشد از کوه اراده داشته سیر امریکار باقتل برسانه
 در جنگ عتباره گلوده در مقامت بر پا کرده چند ماه کمبخت جنگ
 فرم گلوده ساخت و دم را میفرستند
 در کنگدن شخص مینه و دوزی بریاب سیر افغان دو شلیک کرده نایب سیر نکر
 بکشید و پولیس در سنده گرفتاری او بر آمده بر پولیس هم شلیک کرد ولی
 پیشتر خلافت این مراتب آنکه در وقت بلخی آن را با انگلیس در بر کند
 روس کجائی میدی ترتیب داده که از طرف جنوب حبش با آهین بازنده رشت
 راه آهین که در شرق حبش زیر تیر بود که کنون چپا و میل ساخته شده
 تا سنه ۹۰ اول خراپش

تصفی شده دولت روس در حبش اگر چه سنی بر پولیس است اما تصان
 تجارت انگلیس هم رسانیده است
 رجال دولت ایران هم باید با کمال پریشاری تعفت بنادر طبع ندانند
 دولت روس شده است که در دریای هیند کم بندگویی حاصل نماید دولت
 روس تهاجمت بله امان و فتنه آلمان هم ضربه خرابنده دولت انگلیس که
 خود را حق دار بزرگ میسازد اینها کایت و قدر نیست تمام اخبارات جنگ بین
 موضع بحث دارند اخبارات جنگ را مثل اخبارات فارس بناید تصور کرد که در تمام
 باید چسبند است این طلب را باید بطریقین دانست که این حالت حالت اول
 جنگ صورت بنا در فارس همایان این بنا در او رفته تا خوابند گاه که
 با هم تقویم را در کسینم
 دولت علیه ایران بر کل سیاسی دولت علیه فغانی مقیم در فارس (المحارستان)
 شیر و در شهر حجت شده بود

مرض طاعون در میانک بمسوز با نیست از ابتدای شهریور ۱۲۹۸
 جلال الاعلی

بتلای طاعون (۱۹۱۱) و تلف شده

دولت روس بصحابت بیفرودت فغانی تیر سیرک ملاحظه که کتب علمی چند
 اشیای نو آورده نیز بطریق تسخیر خدمت حضرت سلطان فرستاده اند
 بوجه نگارش اخبارات ترکی ایلمزینا و شایعش با قیاسه اسماعیل خان که
 از حسنه ای سفارت کبرای ایران در لاهور است نشان مقام تمام سلطان بخاک
 کرده است

وزارت فرانسه که مستقی شده بود تا کنون نام نشده عن غالب همین بود که ایام
 ریاست می که سابق هم رئیس مجری در این دو مانی اتحاد و همین روس فرانس
 بریند بقتضی شده

امسال با اسطراب بسیاری از سرداران ارفان بخدا و تلف شده اند این مردگان
 یادینین که که نشان از که سفید است در نهایت تکلیف سجا
 دولت روس راه آهن مرده را تا ایسنا که بر خیزل فاصله است رسانیده شانی
 از راه آهین در ایستان تا توره که هفت بل اهرات است در هر چند او یک
 چون از قبده خوف مرض طاعون که در آن کوه رفع شده و قریب به اجم موقوف
 بقول سخی اخبار نگاران بودی و خبر ایدان بزرگ با اینکه صاحب اولاد جوان
 و بالغ شهر در قریب از زمانه دور از بود که در مرتبه جنگ دولت هم شده است
 ایگونه تهذیب و آرا و کی زمان را را ایلاد با مساکم کند
(تلمکرات افان قلمه)

هم شهر حکومت در اس سابق بران جاناتکه از بلد طاعون زده بود برین
 قریبیه یک از ده عالم شده هر چهار از اسطراب طاعون زده هم کثیرا گرفت
 را کردن سال طاعون زده از ده روز که باشد قریبیه خرابنده گزارد است
 خبر کاتبی ۲۹ جون ۱۲۹۸ بمسرت این پورال و شست شست سیر بر کوشش
 دو اندم خبر سخی طاعون زده ای که ایچی ازینت خوف شده که جوار نیست با داده اند
 که از لندن بکراچی آمده بود و چون در خدمت قریب میندین برشته
 از کرافات علوم می شود که در تمام سینه در آن کوشش و در جابجکات هم با این باغ
 بیده او صورت سلامت هم بسیار خوش
(کلکند)

در روز اول که در کلکند خبر گرفتار طاعون از طرف شانه زده طاعون در کلکند
 ریاده شود هم طاعون کوبی جنی درست که در کلکند با کلکند که در کلکند
 پای اویم زنده برای خفا و من زهره در کلکند است با کلکند
 دولت هم زنده برای خفا و من زهره در کلکند است با کلکند
 جلال الاعلی

۱۳۰۰ میل سال اول و بیانی از انشان در آنی است از آنرا که در بواسطه این کتابت که در